



سه مسئله مهم عالم؛ دین، فلسفه و فن/ چه چیزی زیباتر از علم است؟

چهره ماندگار فلسفه گفت: سه مسئله مهم در این عالم وجود دارد که هیچ چیز از آنها خارج نیست؛ دین، فلسفه و فن. دین، فلسفه و فن اگر با هم هماهنگ باشند، عالم به پیش می‌رود.

چهره ماندگار فلسفه گفت: سه مسئله مهم در این عالم وجود دارد که هیچ چیز از آنها خارج نیست؛ دین، فلسفه و فن. دین، فلسفه و فن اگر با هم هماهنگ باشند، عالم به پیش می‌رود.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه «معرفت»؛ که از شبکه ۴ سیما پخش می‌شود، در تفسیر اشعاری از باباطاهر همدانی اظهار داشت: باباطاهر از رؤیت و العلم صحبت می‌کند. به طور کلی دیدن، شنیدن و چشیدن، همه اینها از سنخ علم است. دانستن در مرحله حس است. دانستن چیزها را می‌داند. شما همه چیزها را می‌دانید. علم همه چیز را می‌داند و خود را نیز می‌داند. اگر علم خود را نمی‌داند، دانستن، چیزهای دیگر را هم نمی‌داند.

وی ادامه داد: در این عالم زیبایی‌های زیادی وجود دارد اما چه چیزی زیباتر از علم است؟ یکی از خواص علم این است که خود را تولید می‌کند.

چهره ماندگار فلسفه افزود: ما در عالم اگر به تاریخ مراجعه کنیم، می‌بینیم سه مسئله مهم در این عالم وجود دارد که هیچ چیز از آنها خارج نیست؛ دین، فلسفه و فن. اگر اینها با هم هماهنگ باشند، عالم به پیش می‌رود اما وای به زمانی که اینها از هم جدا شوند. امروزه فن بیشتر از دین و فلسفه وارد میدان است. وقتی می‌گوییم فن، یعنی همه علوم عملی؛ علم تجربی که نتیجه‌اش فناوری است.

ابراهیمی دینانی تصریح کرد: محصول فلسفه در کتب مختلف آمده است. محصول دین هم از طریق پیامبران آمده است، اما محصول فن و فناوری چه بوده است؟ فناوری در دوران مدرن به وجود آمده است. جنگ‌های جهانی اول و دوم هم در دوران مدرن به وجود آمده‌اند. جنگ در عالم همیشه بوده است، اما جنگ‌های جهانی فقط در دوران مدرن امکانپذیر بوده است.

وی بیان کرد: علمی که این همه فساد داشته و باعث جنگ‌های جهانی شده است و می‌تواند جنگ جهانی سوم را هم به وجود بیاورد، علم حصولی است. صورت و مفهومی است. اگر از علم به عالم حضور و شهود برویم، در آن اصلاً جنگ نیست، چرا که صلح کل است. ما باید از عالم حصول به عالم حضور برویم.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران اظهار داشت: ما باید به تاریخ هم نگاه کنیم چرا که تاریخ با آگاهی به وجود می‌آید. اگر آگاهی نبود، تاریخ هم نبود. هیچ چیزی در این عالم وجود ندارد که مقصدی نداشته باشد. ما بخواهیم یا نخواهیم داریم با تاریخ پیش می‌رویم اما غایت تاریخ کجاست؟ آدم‌های ماتریالیسم و پوزیتیویسم، غایت تاریخ را در خود تاریخ جستجو می‌کنند که نتیجه‌اش آن، بمب اتمی می‌شود. ما می‌خواهیم غایت تاریخ را در بیرون از تاریخ جستجو کنیم.

ابراهیمی دینانی گفت: بین دو گروه اشاعره و معتزله ۱۴۰۰ سال است که بحث است. اشاعره به اراده بیشتر اهمیت می‌دهند و معتزله به علم و آگاهی. اشاعره چون خیلی دینی فکر می‌کنند، این گونه فکر می‌کنند. می‌گویند خداوند گفته است «کن فیکون»؛ بیشتر روی اراده‌اش تأکید می‌کند. خداوند هم مرید است هم علیم است و هم دارای اراده است و هم دانا است. اشاعره فقط روی مرید بودن و اراده تأکید می‌کند. علیم بودن را در نظر نمی‌گیرند.

وی افزود: علم تجربی جنبه حصولی دارد ولی تمام علوم به حضور برمی‌گردد. شما علم به عالم و کرات دارید ولی علم به علم ندارید، علم از کجا پیدا می‌شود؟ ماده علم را بیرون می‌دهد یا ماده با علم اداره می‌شود؟ علم از درون ماده این عالم درمی‌آید یا عالم بر اساس یک آگاهی اداره می‌شود، البته که عالم بر اساس آگاهی اداره می‌شود. اینها فکر می‌کنند اول ماده بوده است و ماده بر حسب تکامل به

آگاهی رسیده است؛ باید از آنها پرسید ماده آگاهانه تکامل پیدا کرده است یا ناآگاهانه.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: امروزه بیشتر جهان مادی فکر می‌‍کنند و می‌‍گویند اساس، انرژی است. می‌‍گویند مقدار انرژی ثابت است ولی از فکر صحبت نمی‌‍کنند. اندیشه و فکر را انرژی می‌‍دانند و می‌‍گویند مقدار انرژی ثابت است. ما امروزه در جهانی زندگی می‌‍کنیم که این حرف‌‍ها در آن رایج، علمی و دانشگاهی است. اسطوره نیست چرا که می‌‍گویند زمان اسطوره گذشته است.

ابراهیمی دینانی عنوان کرد: انسان است که اسطوره دارد و اسطوره می‌‍شناسد و بین اسطوره و غیراسطوره تفاوت قائل می‌‍شود. بسیاری از امور گذشته را اسطوره می‌‍داند و می‌‍گوید امروز من به حقایق رسیده‌‍ام. آنچه که در این عالم است و به این عالم مربوط می‌‍شود و از درون تاریخ درمی‌‍آید، ممکن است به اسطوره تبدیل شود، ولی یک حقایقی است که ممکن است هیچ‌‍وقت اسطوره نشود و آنچه در تاریخ به وقوع می‌‍پیوندد و فقط جنبه تاریخی دارد و از درون عالم ماده و تاریخ درآمده، پس از مدتی تبدیل به اسطوره می‌‍شود، ولی آیا ما حقایقی نداریم که هرگز تبدیل به اسطوره نشود؟ وجود خداوند تبارک و تعالی در مسیر مافوق تاریخ است. همیشه حقیقت مطلق است. باور به خداوند اسطوره نمی‌‍شود.

چهره ماندگار فلسفه در پایان خاطرنشان کرد: ما اسطوره‌‍ها را باید معنی کنیم، دنیای امروز به اسطوره علاقه دارد و ممکن است که لفظ اسطوره را به کار نبرند ولی رمان می‌‍خوانند؛ رمان جنبه‌‍ای اسطوره‌‍ای دارد. رمان خوب پیام دارد که پیام آن حقیقت است. اسطوره معنی دارد و معنی‌‍اش حقیقت است. حقیقت همیشه حقیقت است و همه چیز برای حقیقت است.